

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
عکاسی

- شیشه‌های آشفته، عکس‌های برج‌های مانده / کاتیا سلماسی
- نمایشگاه عکاسی شیرانا شهبازی

عکس‌های برج‌مانده

از آنجا که نام عبدالله میرزا قاجار با سرآغاز عکاسی در ایران عجین شده درباره این عکاس صاحب نام دوره قاجاریه تحقیقاتی صورت گرفته است که تا حدودی وی را معرفی می‌کند. مجموعه عکس‌های عبدالله قاجار که شامل تعداد زیادی پرتره، عکس‌های مستند از مناظر و آثار باستانی ایران و کپی برداری‌های او از آثار خوشنویسی و نقاشی است بیشترین تعداد عکس برج‌مانده از یک عکاس در دوره قاجاریه است و عنوان پرکارترین عکاس آن دوران را به او اختصاص می‌دهد.

عبدالله میرزا قاجار فرزند نواب شاهزاده جهانگیر میرزا است. جهانگیر میرزا پسر سیف‌الله میرزا، نوه فتح‌ملی شاه قاجار و برادر تاج‌الدوله نخستین همسر عقد دائم ناصرالدین شاه پس از رسیدن به سلطنت بود. جهانگیر میرزا پس از ازدواج بانو عصمت‌الدوله با دوست محمدخان معیرالممالک در سال ۱۲۸۷ هجری قمری، به رسم و اصطلاح آن دوران به عنوان ریش سفید نزد خواهرزاده خود سکنی گزید. برای سکونت جهانگیر میرزا و خانواده او حیاطی در باغ و عمارت شهری معیرالممالک اختصاص یافت که در اسناد و نامه‌های خانوادگی و تقسیم‌نامه اموال دوست محمدخان معیرالممالک «حیاط خلوت جهانگیر میرزا» خوانده شده است. همسر جهانگیر میرزا «قوت القلوب خانم» - مادر عبدالله میرزا قاجار - نیز همدم و ندیم خانم عصمت‌الدوله بود و با وی انس و الفتی دیرینه داشت.

عبدالله میرزا پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، در مدرسه دارالفنون به ادامه تحصیل پرداخت و در آنجا نزد میرزا احمدخان (صنیع‌السلطنه) عکاسی را فراگرفت و پس از طی دوره‌های آموزشی در عکاسخانه دارالفنون زیر نظر میرزا احمد به کار عکاسی مشغول شد. عبدالله میرزا که به علت اقامت پدر در منزل معیر و نسبت خویشاوندی با دوستمحمدخان معیرالممالک در تماس و رفت و آمد مداوم بود تحت تاثیر دوستمحمدخان و گرایش او به عکاسی با این فن آشنا شد و سپس با کمک و تشویق دوستمحمدخان معیرالممالک برای ادامه تحصیل در حوالی سال ۱۲۹۵ هجری قمری (۱۸۷۸ میلادی) راهی اروپا شد. عبدالله میرزا درباره انگیزه سفر خود به اروپا به تشویق معیرالممالک و تحصیل فنون عکاسی و صنعت چاپ چنین می‌نویسد:

«این بنده عبدالله قاجار، عکاس مخصوص در عهد شاه شهید ناصرالدین شاه، نورالله مضجعه و در وزارت علوم مرحوم شاهزاده اعتضادالسلطنه از مدرسه مبارکه دارالفنون با همراهی^۱ و تشویق جناب جلالتماب اجل اکرم آقای معیرالممالک دام اقباله العالی به فرنگ رفته، تقریباً یکسال و نیم در پاریس مشغول عمل عکاسی و علم رتوشه عکس شده...»^۲

وی ابتدا در پاریس به تکمیل دانش خود در زمینه عکاسی پرداخت، سپس به وین رفت و آموزش در زمینه‌های مختلف صنعت چاپ متداول در آن دوران را آغاز نمود.

عبدالله میرزا در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری (۱۸۸۳ میلادی) پس از بازگشت به ایران به عنوان عکاسباشی در مدرسه دارالفنون به کار پرداخت - این دوران مصادف بود با سفر سه ساله میرزا احمد به اروپا و خالی ماندن عکاسخانه دارالفنون از استادکار - . وی در خلال سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه علاوه بر عکاسی در عکاسخانه دارالفنون و پرتو برداری‌هایی که به حق ارزشمندند به عنوان عکاس مخصوص دربار برای عکسبرداری از آثار باستانی و تاریخی نواحی مختلف ایران ماموریت یافت.

محققان تاریخ عکاسی ایران در یادداشت‌های خود تاریخ تولد عبدالله میرزا قاجار را سال ۱۲۶۶ هجری قمری ذکر کرده‌اند اما قریب به یقین و با استناد به چند سند تصویری که تاریخ مشخصی از ثبت آن‌ها وجود دارد این تاریخ برای ولادت عبدالله میرزا نمی‌تواند صحیح باشد. با نظری به زندگی‌نامه و تصاویری که از عبدالله میرزا در دوره‌های مختلف بر جای مانده این

۱. واژه همراهی در عهد قاجار بیشتر در معنای کمک و مساعدت بکار می‌رفته است.

۲. روزنامه تربیت: سال اول، شماره ۱۱، بیست و دوم رمضان ۱۳۱۴ هجری قمری، ۲۵ فوریه ۱۸۹۷.

نکته شایان توجه است که اگر عبدالله میرزا در سال ۱۲۶۶ به دنیا آمده باشد و در سال ۱۲۹۵ راهی اروپا شده باشد در آغاز سفر تقریباً بیست و نه ساله بوده در صورتی که عکسی هائی از وی در طول دوره تحصیلاتش در اروپا به جاست که در این عکس‌ها عبدالله میرزا جوانی هیجده تا بیست ساله به نظر می‌رسد نه سی ساله.

عکس دیگری نیز وجود دارد که برای علاقمندان به تاریخ عکاسی ایران چندان ناآشنا نیست. عبدالله میرزا در این عکس در کنار چند تن دیگر از جمله میرزا محمد حشمت الممالک، دوستعلی خان اعتصام السلطنه (معیر الممالک بعدی) و میرزا حسن مستوفی الممالک، ایستاده است. چون درباره این عکس و اطلاعات مربوط به عکاس و تاریخ عکسبرداری آن در مراجع تاریخ عکاسی ایران اشتباهاتی روی داده^۱ که سندیت آن را مخدوش می‌سازد لازم است توضیح داده شود که این عکس در سال ۱۹۰۰ میلادی (۱۳۱۸ هجری قمری / ۱۲۷۹ هجری شمسی) در پاریس و در جریان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی پاریس توسط والرئ برداشته شده است. درباره این سفر و افراد همراه در آن در پاره‌ای مستندات تاریخی مطالبی آمده است از آن جمله دوستعلی خان معیر الممالک در نسخه دستنویس خاطرات خصوصی خود که انتشار نیافته ضمن بیان خاطرات روز پنج‌شنبه ششم ربیع الثانی سال ۱۳۱۸ درباره حضور در آتلیه عکاسی والرئ به دعوت وی که با دوست محمد خان معیر الممالک سابقه آشنائی دیرینه داشت و چگونگی برداشتن این عکس شرحی خواندنی آورده است.

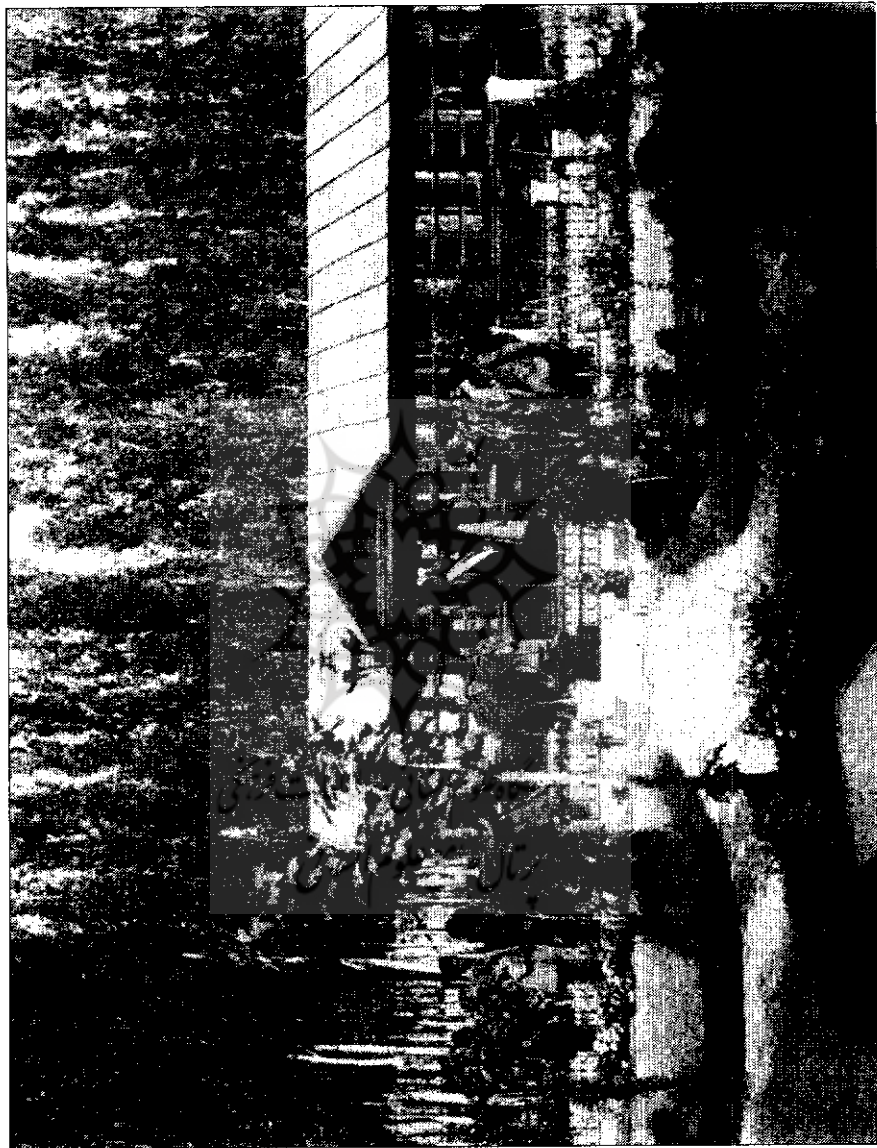
به هر تقدیر با قبول این فرض که عبدالله میرزا در سال ۱۲۶۶ هجری قمری پای به عرصه وجود گذارده باشد به هنگام برداشتن این عکس باید تقریباً پنجاه و یک سال داشته باشد، اما حتی بدون در نظر گرفتن این نکته که متوسط عمر و وضع ظاهری اشخاص در یکصد سال پیش در مقایسه با افراد پنجاه ساله دوره معاصر از تفاوت چشمگیری برخوردار بوده، یا به بیان دیگر یک مرد پنجاه ساله در آن دوران سالخورده‌تر از یک مرد پنجاه ساله در دوره معاصر به نظر می‌رسید، عبدالله میرزا حتی به مقیاس تخمین و تجربه بصری دوره معاصر نیز پنجاه سال ندارد. با توجه به تاریخ تولد دقیق و مشخصی که از سایر افراد حاضر در این عکس مانند حشمت الممالک (۱۲۷۵ هجری قمری)، مستوفی الممالک (۱۲۹۱ هجری قمری)، دوستعلی خان معیر الممالک (۱۲۹۳ هجری قمری) وجود دارد و مقایسه سیمای ظاهری اشخاص، احتمال بسیار می‌رود که در تعیین تاریخ تولد عبدالله میرزا قاجار هر چند به تقریب، اشتباهی در حدود ده سال بیش از سن واقعی وی رخ داده باشد.



افراد حاضر در عکس:

نشسته از راست: دوستعلی خان معیرالممالک - میرزا حسن مستوفی الممالک
 ایستاده از راست: محمدحسن خان مؤید خلوت (پدر رهی معیری) - حاج یوسف خان -
 یحیی میرزا لسان الحکماء - عبدالله میرزا قاجار - میرزا محمدخان حشمت الممالک -
 امان‌الله میرزا جهانبانی (برادر عبدالله میرزا) - ماشاالله خان منتصر الممالک - صادق خان

نواب



● مظفرالدین شاه و همراهان در باغ مهرآباد (در ۲۱ رجب سال ۱۳۲۰ هجری قمری)

سند تطبیقی دیگر عکسی است که از عبدالله قاجار با علیقلی خان سردار اسعد بختیار (تولد ۱۲۷۴ هجری قمری) این عکس در پاریس توسط مستوفی الممالک برداشته شده است. از متون و خاطرات رجال دوره قاجار برمی آید که عبدالله میرزا سفرهای متعدد به اروپا نموده است. این سفرها چنانکه از اشارات همان منابع برمی آید برای آشنائی با نوآوری های عکاسی و خرید تجهیزات و وسائل جدید برای عکاسخانه مجهز او و در واقع سفرهای مطالعاتی و تحقیقاتی بوده است.

حال اگر بپذیریم که عبدالله میرزا حدود یک دهه بعد یعنی حوالی سال ۱۲۷۶ یا به عرصه گیتی نهاده است و با در نظر گرفتن دوره اقامت جهانگیر میرزا در منزل معیرالممالک ها از حوالی سال ۱۲۸۷ هجری قمری به بعد، می توان نتیجه گرفت که عبدالله میرزا سالهائی از دوره کودکی و نوجوانی خود را در منزل معیرها گذرانده است.

از آنجا که علاقه به عکس و عکاسی وجه اشتراک خاص در دوستی و ارتباط عبدالله قاجار و دوست محمدخان بوده این دو با یکدیگر مبادلات عکسی نیز داشته اند و همین امر باعث شده تا عکسهائی از عبدالله میرزا قاجار در میان مجموعه عکسهای دوست محمدخان یافت شود و عکس هایی نیز در نزد عبدالله میرزا باشد که عکاس آن دوست محمدخان معیرالممالک بوده است. مبادله عکس و نگاتیو در بین عکاسان قدیم بدون اعتنا به حفظ هویت عکاس اصلی امری عادی و رایج بوده است البته نگهداری عکسی از یک عکاس در مجموعه عکاس دیگر امری غیر عادی نیست و تا جائیکه که این عکس به اشتباه منسوب به عکاس دیگری نشود نکته پر اهمیتی به شمار نمی آید اما متأسفانه عکس هائی در تاریخ عکاسی ایران وجود دارند که به شخص دیگری غیر از عکاس اصلی منسوبند.

عکس و سندی تاریخی روشنگر این نکته است که در تاریخ عکاسی ایران عکس هائی به نام عبدالله قاجار ثبت شده که عکاس آنها خود وی نبوده است و تنها عامل این انصاب مشخصات مقوای پشت بند عکس به نام عکاسخانه مدرسه مبارکه دارلقنون و امضاء عبدالله قاجار است. عکس و سند مذکور مربوط به بازگشت مظفرالدین شاه قاجار از سفر دوم فرنگستان است. در مسیر بازگشت مظفرالدین شاه، میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک اعظم طی تلگرافی از قزوین قصد شاه مبنی بر توقفی کوتاه و صرف نهار در باغ مهرآباد را به اطلاع دوست محمدخان معیرالممالک می رساند - به رسم آن دوران مسافران متشخص هنگام ورود به شهر در یک منزلی شهر برای استراحت و پذیرفتن مستقبیلین توقف می نمودند - در متن این تلگراف آمده است:

«جناب مستطاب اجل اکرم عالی آقای معیرالممالک دام اقباله العالی انشاءالله در



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره	تاریخ ثبت	موضوع	ملاحظات

فی سبب مرگ عمه آن سرورالایام دام ظلهم احوال آن ام در حال سحر
و فتر دریاغ هزاره به تفصیل و توجیه سفارش شده باین عظمت بهتر باد
تا این هر روزنامه روز جمعه ام را در صورتی که بزرگترین و روزانه
سفارشیه تا قریب نام را در هزاره ملحق هم از این بنا می شود و از این بزرگترین
فاخره که منحصراً بر روی زمین دام به قبر نباشد (کتاب علم)

۲۳۹

کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه
کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه



● سردار اسعد با عبدالله قاجار عکاس مشهور (ایستاده) و دوستان خود در پاریس

پژوهان جامع علوم انسانی
مطالعات فرهنگی

کمال سلامتی و خوشی در باغ مهرآباد به تفنن و تفریح مشغول هستید بندگان
اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداءً روز جمعه ۲۱ را که مقرر
است به شهر تشریف ورود ارزانی می‌فرمایند نهار قاب لامه (قابلمه)^۱ را در
مهرآباد میل فرموده از آنجا به باغ شاه و از آنجا به شهر تشریف فرما خواهند شد.
محض اطلاع زحمت دادم که بی‌خبر نباشند (اتابک اعظم) ۱۸ رجب ۱۳۲۰»

تصویر زیر یکی از چند عکسی است که در روز ۲۱ رجب از مظفرالدین شاه و همراهان در
باغ مهرآباد برداشته شده است.

این عکس که بر روی مقوای مخصوص عکاسخانه عبدالله قاجار چسبانیده شده دارای
پشت‌نویس بسیار جالب توجهی از میرزا محمدخان حشمت‌الممالک برادر دوستمحمدخان
معیرالممالک است و از اسناد قابل ملاحظه در تاریخ عکاسی ایران بشمار می‌آید. متن این
نوشته از این قرار است:

«روز جمعه بیست و یکم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۲۰ که موکب اقدس
اعلیحضرت مظفرالدین شاه از سفر دوم فرنگ با اتومبیل بدارالخلافه نزول
اجلال می‌فرمودند حسب الامر همایونی میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم از
قزوین به خان معیر تلگراف کرد که نهار را در مهرآباد صرف خواهند فرمود بعد از
نهار و قدری راحت کردن وقتی که اعلیحضرت به گردش باغ عصمتیه و مهرآباد
پرداختند در حین تماشا و تحسین و اظهار تفقد به مسیو وریه^۲ خطاب به حضار
فرمودند: معیر فرنگ را اینجا آورده و مثل اینست که دوباره وارد فرنگستان
شده‌ایم. از معاریف ملتزمین و مستقبلین: دوستمحمدخان معیرالممالک، میرزا
علی‌اصغر خان اتابک اعظم، شیخ اسماعیل خان امین‌الملک، میرزا احمدخان
آقازاده اتابک، عضدالملک، حکیم‌الملک اعتصام، حاجی مجدالدوله، سالار
مکرم، حاجی معین‌السلطان و اغلب اعیان در عکس‌ها دیده می‌شوند. حقیر آن
روز عکس برمی‌داشت و درگروپ حضور ندارد. شیشه‌ها را حسب‌الامر همایون
عبدالله میرزا بعداً گرفته روی مقوای عکاسخانه دولتی چاپ شد که طبق

۱. قاب لامه کلمه‌ای ترکی است به معنی چند چیز که در داخل هم جمع شوند. نهار قاب لامه (قابلمه) از اصطلاحات دوره قاجار است و منظور نهار پخته‌ای است که در سفرها در قابلمه همراه برداشته می‌شد.
۲. مسیو وریه سر باغبان فرانسوی باغ مهرآباد بوده است.

معمول و به عادت اعلیحضرت به خواص نوکرها و اهالی اندرون داده شود و مثل خیلی از عکس‌ها به اسم آنجا تمام شد. خقیر میرزا محمد»

«... و مثل خیلی از عکس‌ها به اسم آنجا تمام شد» از این عبارت شمنات‌آمیز چنین برمی‌آید که اعتبار و انتساب یک عکس صرفاً به اعتبار مشخصات پشت بند آن به عکاسی غیر از عکاس واقعی امری عادی بوده است.

چند سال پیش آلبومی از دوست محمدخان معیرالممالک به دستم رسید. این آلبوم در واقع عکس نگاره‌ای از سفر وی به خراسان است. آلبوم دارای جلد سرمه‌ای طرح ابری، عطف چرمی، دست‌ساز دارای بیست و دو برگ ضخیم مقوایی و در برگ‌نندهٔ چهل و چهار عکس است. عکسها از مکان‌های مختلف تاریخی در بین راه تهران مشهد و در مشهد برداشته شده‌اند. بر روی آستر بدرقه این آلبوم کارت ویزیت دوست محمدخان معیرالممالک چسبانیده شده است.

معیرالممالک روی این کارت به خط خود نوشته «دوست محمد این عکس‌ها را در سفر خراسان به یادگار انداخت» و بعداً با قلم ریزتری اضافه کرده «بعضی هم عکسهای متفرقه است که داخل شده و باید به آلبوم خودش منتقل شود» و در کنار تعدادی از عکس‌های درون آلبوم با مداد یادداشت کرده «منتقل شود».

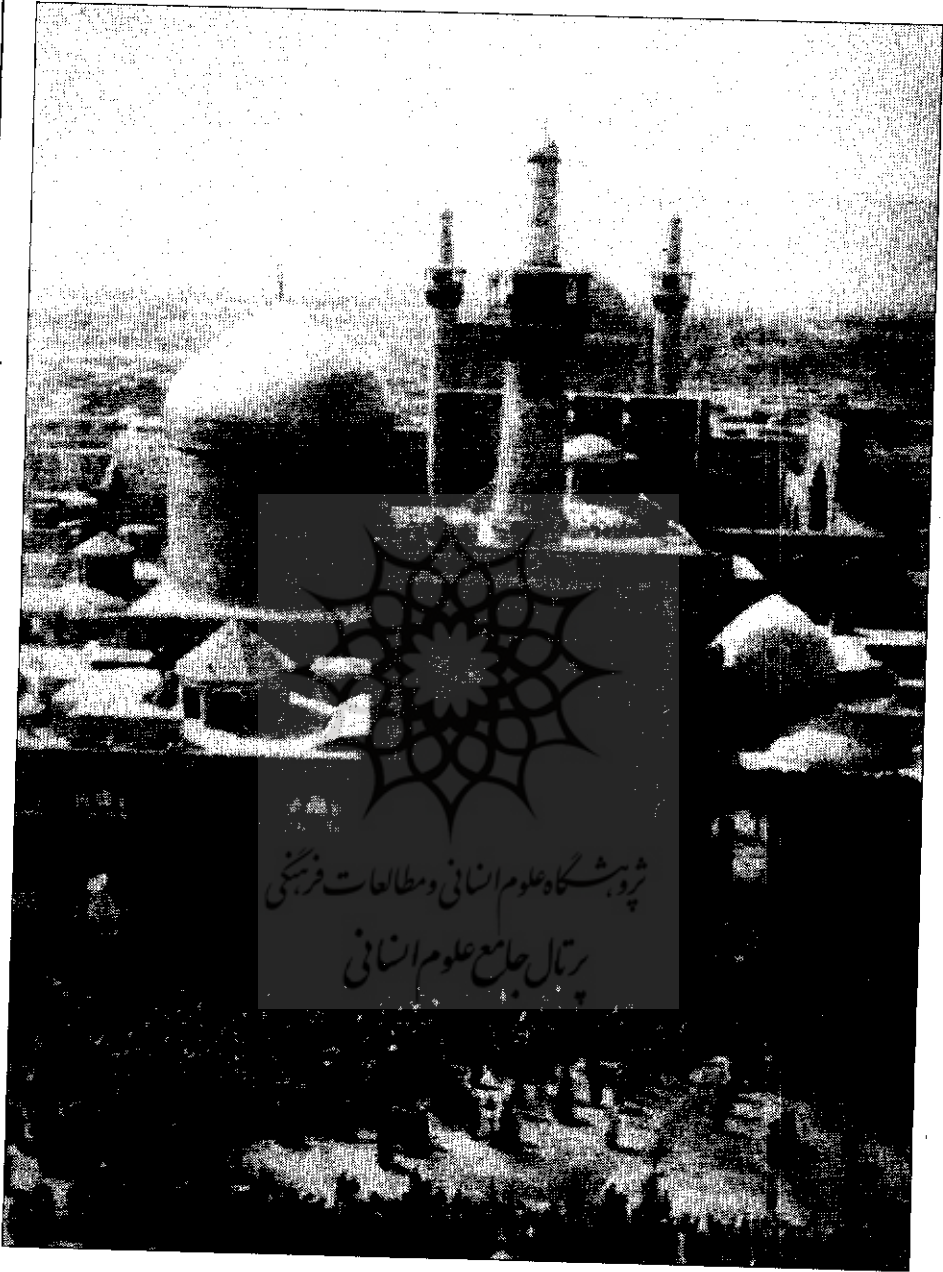
عکس‌های این آلبوم که بیشتر جنبه گزارشی تصویری از بناها و مکان‌های تاریخی مختلف در مسیر راه تهران تا مشهد و منطقه خراسان را دارند همانند سایر عکس‌هایی که توسط دوست محمدخان معیرالممالک عکاسی شده از انسجام تصویری بسیار بالایی برخوردارند. در این مجموعه دوست محمدخان با مقیاس‌گذاری انسانی در کنار بناهای تاریخی به هدف خود در ایجاد تصور حجم و اندازه واقعی بنا در ذهن بیننده دست یافته است. اگر پیش از دیدن این آلبوم با عکس‌های دوست محمدخان و زاویه دید او در عکاسی آشنا نباشیم تنها با دیدن این مجموعه عکس ارزشمند درمی‌یابیم که این عکس‌ها در نهایت دقت و با حوصله و مهارت بسیار عکاسی شده است.

در بین مجموعه عکس‌های این آلبوم دو عکس وجود دارد که در کتابها و مستندات تاریخ عکاسی ایران منسوب به عبدالله میرزا قاجار و مربوط به مجموعه ماموریت عکاسی وی در خراسان است اما عکاس آنها باید دوست محمدخان معیرالممالک باشد نه عبدالله قاجار.

البته این گمان موازی را هم می‌توان در نظر داشت که عکاس اصلی این دو عکس عبدالله میرزا قاجار باشد و وی یک چاپ از شیشه این دو عکس را به دوست محمدخان معیرالممالک

داده باشد که در این باره لازم به ذکر است که طی چند سالی که عبدالله میرزا برای سرکشی به املاک همسرش به خراسان رفت و آمد داشته از طرف ناصرالدین شاه مامور به عکسبرداری از آثار تاریخی این ناحیه نیز بوده است و در طی این مدت دوستمحمدخان نیز دوبار به دعوت حاکم بجنورد و قوچان به قصد زیارت و سیاحت رهسپار خراسان شده و بنابر علاقه و عادت خود در طی سفر از مناظر و آثار باستانی منطقه عکاسی می‌کرده است. از آنجا که وی قصد عرضه این مجموعه عکس را به جایی نداشته و تنها به منظور ثبت خاطرات سفر به خراسان به عکسبرداری پرداخته و دستنوشته «دوستمحمد این عکسها را در سفر خراسان به یادگار انداخت» در سرآغاز آلبوم جای کمتر شبهه‌ای را به جا می‌گذارد که عکس‌های این آلبوم توسط شخص دیگری بجز دوستمحمدخان گرفته شده باشد زیرا در غیر این صورت ضرورت آوردن این نوشته در آغاز آلبومی که در مجموعه خصوصی دوستمحمدخان قرار داشته کاملاً منتفی است. از سوی دیگر می‌دانیم که عبدالله میرزا قاجار از طرف ناصرالدین شاه مامور به عکاسی از آثار تاریخی خراسان و ملزم به عرضه مجموعه‌ای در خور به حضور شاه بوده است، از این رو عبدالله میرزا برای هر چه کاملتر و پسندیده‌تر کردن مجموعه عکس‌های خود با موافقت معیرالممالک چند عکس از کارهای او را که از کادربندی و نوردهی مناسبی برخوردار بوده در مجموعه خود جای داده است.

جدا از این، مورد مهمتری که فرض استفاده عبدالله میرزا از عکس‌های دوستمحمدخان را قوی‌تر می‌سازد بررسی و مقایسه عکس‌ها از لحاظ سبک و شیوه عکاسی است. به لحاظ قرائن سبک‌شناسی، زاویه دید و نوع عکاسی از مناظر دوستمحمدخان معیرالممالک و عبدالله میرزا قاجار با یکدیگر بسیار متفاوت است. اگر در سبک و سیاق عکاسی، زاویه دید و نوع کادربندی‌های عبدالله میرزا در عکاسی از مناظر، حتی در همان مجموعه خراسان دقت کنیم درمی‌یابیم که این دو عکس با نگرش تصویری کاملاً متفاوتی از سایر تصاویر برداشته شده‌اند. با بررسی زوایای دید، کادربندی‌ها و محل جاگیری دوربین در عکس‌های دوستمحمدخان روشن می‌گردد که این دو عکس به سبک عکاسی دوستمحمدخان معیرالممالک بسیار نزدیکتر است. از عبدالله میرزا تعداد زیادی کپی از آثار هنری بویژه کپی قطعات خوشنویسی استادان بزرگ برجاست. در آن زمان این عکس‌ها که وسیله دسترسی خطاطان و علاقمندان به آثار استادان بزرگ بود خواستاران و خریداران فراوان داشت، عبدالله میرزا که عکاس حرفه‌ای بود فعالیت خود را در این زمینه پر رونق توسعه داد. وی در سال ۱۳۱۶ هجری قمری نمونه‌ای از فتولیتوگراف (Photo Lithograph) و یک اعلان در زیر آن به مضمون زیر منتشر ساخت، این اعلان سندی ارزنده در تاریخ عکاسی و چاپ مسطح در ایران بشمار می‌آید:



● از آثار عکاسی دوست محمدخان معیرالممالک به عبدالله میرزا قاجار

«این اولین عمل فتولیتوگرافی است که در ممالک ایران ایجاد شده مطابق این نمونه از هر نقاشی کار استادان قدیم و خطوط میر و درویش و نقش‌ها عکس برداشته اصل آن را به صاحبش رد نموده در روی بلور و فلز به اعمال فتوتی پی و فتولیتوگرافی و زنک‌گرافی در مطبع النور واقع در عکاسخانه مدرسه دارالفنون چاپ می‌شود.

عکاس مخصرص عبدالله قاجار - ذی قعدة ۱۳۱۶ - تهران»
 برخی از این گونه کپی‌ها از روی یک شیشه هم با نشان عکاسخانه عبدالله میرزا هم با نشان عکاسخانه دوستمحمدخان معیرالممالک یا در بین عکس‌های چسبانیده نشده در مجموعه عکس‌های معیر باقیست و نشان می‌دهد عبدالله میرزا با رابطه صمیمانه‌ای که با دوستمحمدخان معیر داشته از روی شیشه‌های وی برای تکثیر این آثار پرفروش استفاده می‌کرده است.^۱ از این جمله، در میان مجموعه عکس‌های معیر بسته‌ای حاوی تعدادی کارت پستال وجود دارد، بر روی این بسته نوشته شده است:

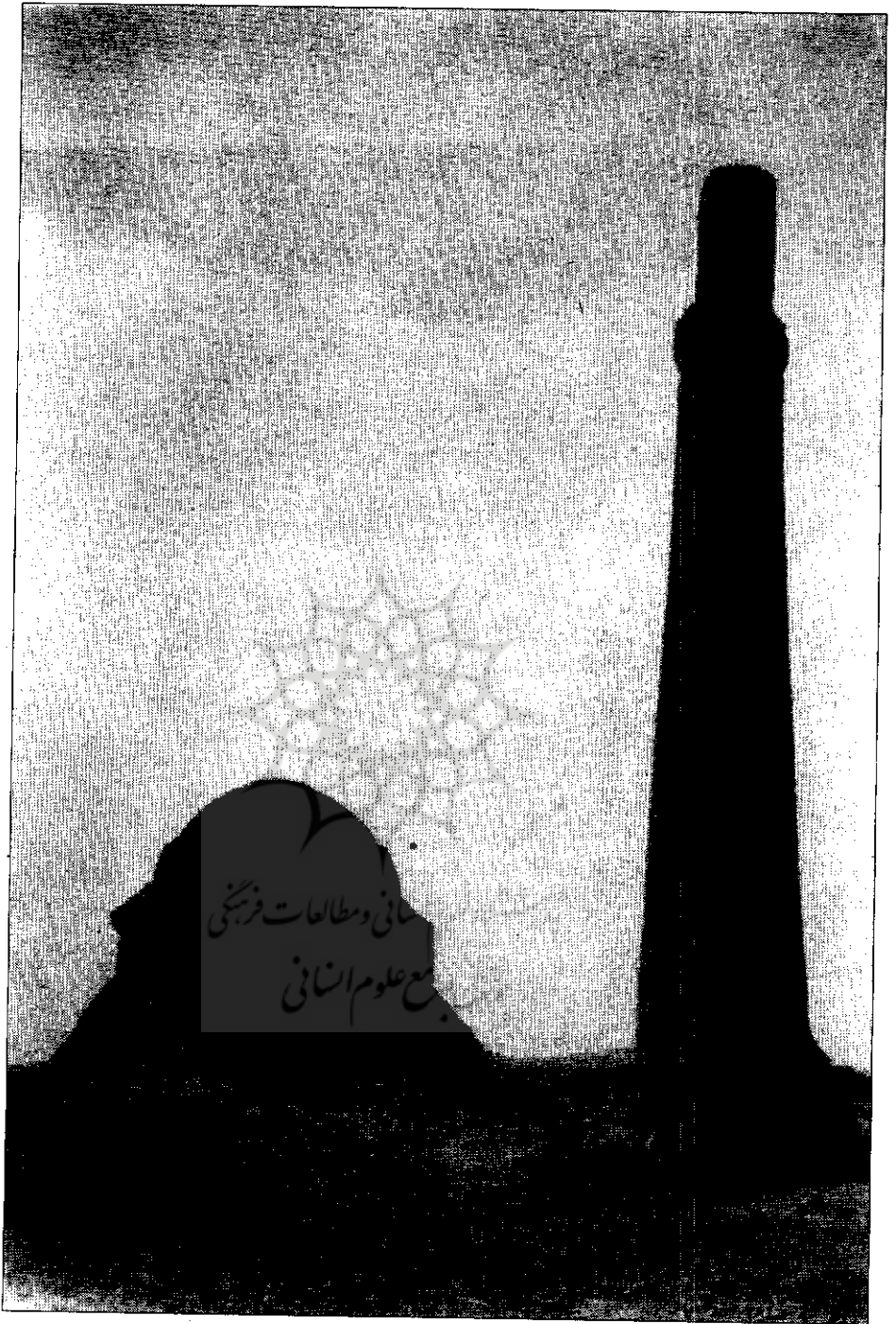
«عکس‌های خان معیر که به استدعای سید عبدالرحیم^۲ تاجر در پاریس کارت پستال شده»

یکی از این کارت پستال‌ها عکسی از قلعه لاسگرد است که بعضی از چاپ‌های این شیشه بر روی مقواهای عکاسخانه دارالفنون هم عرضه شده است.
 متأسفانه در آن دوران حفظ حقوق مالکیت معنوی آثار هنری بویژه در عکاسی چندان حائز اهمیت نبوده است زیرا به اقتضای دوران عکاسی حاصل فن آوری دوربین عکاسی بشمار می‌آمد. به نوشته دکتر جان ویشارد (John G. Wishard) که در فاصله سال‌های ۱۸۹۱ تا ۱۹۱۰ میلادی در عهد ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در بیمارستان آمریکائی همدان و تهران اشتغال به کار داشت در عکاسخانه‌های تهران خارجیان بعضی از عکس‌های عکاسان ایرانی را به همراه نگاتیو و شیشه آن خریداری می‌کردند تا این عکس‌ها در انحصار خریداران باقی بماند.

«در بعضی عکاسخانه‌ها مشتریان غربی اصرار دارند که عکس و فیلم را با هم مطالبه کنند تا نسخه‌های آن بعداً به فروش نرسد چون اگر عکس جالب و

۱. در این باره آقای محمدعلی معیری - نوه دوستمحمدخان معیرالممالک - ذکر می‌کند که به دستور دوستمحمدخان از بیشتر آثار خوشنویسی قبل از آنکه از دسترس خارج شوند در عکاسخانه اختصاصی معیرالممالک کپی برداری برداشته می‌شده است.

۲. سید عبدالرحیم کاشانی تاجر کارت و کارت پستال و تمبر بود و در سرای امیر حجره داشت.



انسانی و مطالعات فرهنگی
مع علوم انسانی

هنرمندانه باشد برای مردم تفاوتی ندارد که مربوط به کجا و چه کسی است آن را می‌خرند و زینت اطاق‌ها می‌کنند»^۱.

فروش شیشه و نگاتیو در رمضان بازارهای سالیانه که در مسجد سپهسالار برپا می‌شد نیز انجام می‌گرفته و بسا عکس‌های عکاسان ایرانی که در سفرنامه‌ها به نام خارجی‌ان به چاپ رسیده است.

قدیمی‌ترین نمونه‌ای که تاکنون در حفظ حقوق عکاسی مشاهده کرده‌ام عبارتی است دستویس که میرزا محمد حشمت‌الممالک در زیر پرتوهای رسمی از احمد شاه نوشته است و حقوق چاپ و تکثیر آن را محفوظ ساخته است.

عبدالله میرزا قاجار هفته‌ای پس از وفات دوست محمدخان معیرالممالک در آدسا در روز سه‌شنبه بیست و یکم جمادی الثانی سال ۱۳۳۱ در تهران درگذشت. غلامعلی خان عزیز السلطان در خبر وفات او در یادداشت‌های روزانه خود مطلبی نوشته و مرگ او را ناشی از خبط اطباء دانسته است.^۲



۱. جان ویشارد: بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۰۳.

۲. روزنامه خاطرات عزیزالسلطان: به کوشش میرزائی، تهران، ج ۳، ص ۲۴۲۲.